

تقریب مذاهب، تربیت مسلمین، هدایت انسان

تقریب مذاهب، تربیت مسلمین، هدایت انسان

محمد رحیم افضلی

عضو مجمع تقریب جهانی اسلام

ان ا لا یظلم الناس شیئا ولكن الناس انفسهم یظلمون یونس آیه 44

با ایمان به وعده الهی مبتنی بر آیه‌ی و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین(1)، هدایت انسان معتقد به خدا و رسول، مبنی بر نزول آیه‌ی الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدای والفرقان (2) و باور به انیکه مقام انسان احسن تفویم (3) است و احسن الخالقین(4) و به مرتبه‌ی ای از مراتب بالای خلیفه فی الارض(5) عزت و کرامت بخشیده شده است، تا با تکیه بر آن جایگاه ویژه و منحصر به انسان که مستقل از قید و اسارت قدرتهای غیر خدایی و هکذا تفکر، نسبت به آیات و نشانه‌های الهی منجمله نفس خود انسان مبتنی بر حدیث نبوی من عرفه نفسه فقد عرف ربه(6) و با تکیه بر دستورات و آموزه‌های ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام و فرمایشات برحق حضرات انبیاء و اولیاء و اوصیای الهی و نگاهی به عملکرد سران قدرتهای بزرگ بین المللی و استکبار جهانی نسبت به همه ملل دنیا بویژه امت اسلامی و هکذا بیداری ملت‌ها منجمله مسلمانان جهان و تحول ناشی از پیروزی پدیده انقلاب اسلامی به رهبری خردمندان امام راحل و جهاد بر حق ملت مسلمان افغانستان دربراندازی نظام دو قطبی جهان و فروپاشی متجاوزین شوروی سابق و رسالت انسان دین مدار و متعهد به ادای رسالت اسلامی، مطالب ذیل را با تامل بیشتر از هر زمان و هر اولویت دیگر مورد توجه

قرار داده و می‌توان گفت:

وحشت سران استکبار بین المللی از علاقمندی روز افزون متفکرین جهان غرب و اروپا و آمار گرایش به اسلام و درک جایگاه متعالی اسلام به عنوان دین پویا و نجات بخش انسان متفکر و اندیشمند، نشان می‌دهد که دشمنان انسان و اسلام، تصمیم دارند تا متفکرین و اندیشمندان جامعه بشری را که سرمایه‌های اصلی انسان در زمین‌اند، نسبت به اسلام و مسلمانان متنفر ساخته و بدبین نمایند.

در حالیکه اسلام جایگاه انسان دین مدار متفکر را به گونه‌ای معرفی و بیان می‌کند که در هیچ یک از قوانین و یا مکتبی از مکاتب جهان حتی ادیان دیگر این گونه بیان نشده است که در اسلام نسبت به آن تکیه و تاکید می‌شود هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون(7) که فشرده آن را در سه محور جداگانه و در عین حال مرتبط باهم به صورت مختصر و مفید اشاره می‌نمایم.

محور اول: در قلمرو متفکرین ادیان الهی:

با توجه به شرایط فوق الذکر، شمارش معکوس دنیای تهی شده از ارزشهای انسانی و اخلاقی که ریشه در فطرت انسان خردمند و با هدف دارد، مشاهده می‌شود که انسان نه تنها از ادامه زندگی یک بعدی و مصرفی حاکم بر جامعه انسانی خسته شده است که نسبت به ادامه و گسترش آن احساس نگرانی می‌کند.

نگرانی انسان هدفمند و هوشمند از وضعیت موجود نه به خاطر امکانات و یا مشکلات زندگی، آن هم زندگی در دنیای دنی، بلکه بخاطر هدف و چگونگی زندگی برای رسیدن به حیات جاویدانه و ابدی است که در نتیجه افراط و تفریط انسان در دنیای پر از اضطراب و دغدغه، از مسیر طبیعی خویش به انحراف رفته و انسان را بیهوده ساخته و می‌سازد.

عُقلا و متفکرین جامعه بشری به صورت عموم دورنمای تاریک و خطر آفرین افراط و تفریط زندگی را که با ظواهری بنام تمدن، تکنولوژی، آزادی و ده‌ها عنوان دیگر آرایش گردیده است، درک می‌کنند.

درک تداوم حاکمیت زندگی یک بعدی و مصرفی برای انسان متفکر و آزاد به خصوص معتقدین به ادیانی که مدعی نجات انسان از اسارت انسان است، این حق را می‌دهد که دست به یک انتخاب آگاهانه بزنند و این

تنها چیز و شاید بهترین چیزی باشد که می‌توانند اختیار کنند.

انتخاب اسلام به عنوان دین منتخب خدا، در روزگار و عصری که همه چیز در خدمت قدرت‌های بزرگ اقتصادی، سیاسی، نظامی و شبکه‌های حاکم بر دولت‌های مرتبط با مافیای بین‌المللی است، طبیعی‌ترین و عالی‌ترین راه نجات و بهترین گزینه ایست که نه تنها پریشانی دشمنان اسلام را رقم می‌زند و طلسم شان را باطل، که حق را بر ملاء می‌سازد. جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا (8)

بدون شک که اسلام به عنوان دین منتخب خدا طبیعی‌ترین دین مبتنی بر فطرت انسان است، و وحدت زیباترین ممثل اسلام، و تقریب مذاهب، عملی‌ترین راه عملیاتی کردن رفع نیازمندی‌های انسان است که در اصطلاح کلاسیک و علمی امروز به آن دنیای ارتباطات می‌گویند. چیزی که بدون آن زندگی محال است و ناممکن.

طرح و برنامه توهین به مقدسات اسلامی و هکذا تضعیف و تخریب شخصیت‌های اسلامی با استفاده از رسانه‌های جمعی اعم از سمعی و بصری به صورت ارگانیکی، و همچنان شنود استخباراتی از تمامی شخصیت‌های سیاسی، علمی ملت‌ها و دولت‌ها توسط دولتی که مدعی حفظ حقوق انسانی و حریم مصئونیت سیاسی انسان‌هاست، بخشی از سناریوی طراحی شده‌ی دست دشمنان اسلام و مسلمین و عصیانیت آن‌ها نسبت به هجمه ی ورود متفکرین آن‌ها، به اسلام است.

دشمنان کارکشته و مکار اسلام به اندازه‌ی که بیم از برخورد عقلانی و انسانی مسلمین در رابطه با عکس‌العمل مسلمانان نسبت به توهین مقدسات، به خصوص بهترین بنده و حبیب خدا پیامبر اسلام که رحمت‌العالمین است دارند، از درگیر شدن فیزیکی و افراطی و یا بکارگیری خشونت آن‌ها ندارند.

چیزی که عصیانیت آن‌ها را تشدید می‌کند اقتدار مجدد مسلمین و ارتباط آن‌ها با خردمندان و متفکرین جوامع غربی و اروپایی است.

اینجانب ضمن اینکه حضور گسترده مسلمانان را در دفاع از پیامبر اسلام، وظیفه هر مسلمان میدانم، تاکید بر راه کارهای عقلانی توأم با استدلال و منطق را از طریق اراده جمعی سران کشور‌های اسلامی کاربردی‌تر از خشونت‌های فیزیکی مسلمانان دانسته و اعلام می‌نمایم که دفاع و عکس‌العمل خردمندان مسلمانان و به نمایش گذاشتن باورهای شان در رابطه با پیامبر نازنین اسلام از طریق سران کشور‌های اسلامی نه تنها بر عصیانیت دشمنان اسلام می‌افزاید که بستر ساز ورود متفکرین غیر اسلامی نسبت به

اسلام می‌گردد. چیزی که توطئه دشمنان اسلام برای جلوگیری از ورود غیر مسلمانان تدارک دیده شده است.

اینجانب با جرئت اعلام می‌نمایم که ماحصل رستاخیز بزرگ عقلانیت انسان دین مدار همراه با متفکرین سایر ادیان و آزاد اندیشان، در نهایت امر، به آغوش پر مهر و محبت فطرت انسانی قرار گرفتن است، تا مفهوم زیبای وحی را در بستر توحید کاربردی نموده و به نمایش بگذارند.

و چه ظریف و زیباست که نخستین مرحله تقریب به معنی حقیقی آن همانا رفتن بطرف وحدت است که خود ممثل توحید است.

حرکت توأم با ایمان انسان متفکر و مسلمان معتقد در راه تقریب مذاهب نماد تربیت و هدایت انسان مسلمان است. بودن در این وادی مستلزم رفتن است و رفتن مرتبه ایست از مراتب رسیدن. به عبارت زیبا تر رسیدن در این وادی آغازیست برای رفتن. که در هر حال میسر و در همه جا ممکن و در همه چیز قابل انعکاس است. به عبارت دیگر آغازیست همیشه، برای همه کس، در همه جا و همه حال، لایتناهی و بی پایان. ممکن است که همواره میسر است، آغازیست بی پایان، که اگر چنین شد آتش بر افروخته شده‌ای نمرودیان زمان، برایش گلستان می‌شود و هم چون ابراهیم خلیل، خلیل ا‌ می‌شوند.

دوم: در قلمرو اسلام نبوی و یا صدر اسلام:

واقعیت تاریخی و حقیقت حاکم بر نظام اجتماعی زمان رسول خدا پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) نشان داده است که عدالت در بستر توحید با مدیریت آگاه ایشان در کمترین زمان ممکن آن هم در جامعه فرورفته در شرک و کفر و نفاق چگونه به بار نشسته است.

باری که اساساً با تفکر توأم با ایمان و عمل آغاز گریده و همه مسلمانان در قدم اول و همه متفکرین و اندیشمندان و جامعه شناسان در قدم بعدی نسبت به آن باور پیدا کرده‌اند.

باوری که بعضی اندیشمندان و متفکرین و جامعه شناسان غیر اسلامی امروزی را در قلمرو تفکر و اندیشه، مقدم بر اکثر مسلمانان ساخته است.

باوري که پس از اندک زمان توانست بزرگ‌ترین پایگاه‌های اجتماعی، دینی، علمی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی عصر خویش را در سه بخش ایران، مصر و روم تحت الشعاع قرار داده و مدیریت کند. مدیریتی که می‌توانیم عملی آن هنوز هم مستلزم مطالعه و کشف است که چگونه کاربردی و عملی گردیده است که صهیب از روم، بلال از حبش، سلمان از ایران، اویسی از قرن و مالک از نخعه و ابودر و سمیه و یاسر و عمار همه باهم همچون پنج انگشت در یک دست، با مولایشان علی(ع) از حجاز و رسول برحق پیامبر خدا در یک صف قرار گرفته و با بزرگانی هم چون ابوبکر و عمر... و دیگران به اصطلاح امروز همه یک رای بیش نداشته باشند.

مدیریتی که توانست شرق و غرب عالم را در اندک‌ترین زمان ممکن آن هم متناسب به موقعیتهای زمانی و مکانی شان به ترتیب در دوستی و ارتباطات، در اخلاق و خویشتن داری، در توجه به خردورزی، در تعلیم و تربیت، در صلح و صداقت، در ایثار و خود گذشتگی در دفاع و جنگ در نوردیده است. به اندازه‌ای که تا هنوز هیچ انسانی در هیچ یک از زمینه‌های فوق الذکر منجمله مدیریت و رهبری به پای آن به بزرگوار و به زیبایی اصحاب آن نرسیده‌اند و نخواهند رسید.

اسلام نه تنها در بیان و عمل رسول خدا و اصحاب زمانش نسبت به سایر ادیان علمی‌تر و عملی‌تر از ادیان گذشته جواب داده است که جایگاه انسان را به معنی و مفهوم واقعی انسان به تصویر کشیده است و به حق که زیبایی مخلوق احسن را در راستای اجرایی کردن احکام الهی در زمین به نمایش گذاشته و به جایی می‌رود که انتهایش خود آغاز دیگر است.

پیامبر بزرگوار حضرت محمد (ص)، اسلام را با قرائتی مبتنی بر فطرت و عقلانیت توأم با وحی که چیزی جز کتاب خدا (قرآن کریم) نبوده و نیست معرفی نمود و مضافاً اسلام را متناسب به می‌توانیم وجودی انسان آن چنان کاربردی و مدیریت نموده است تا انسان خویش را دریافته و باور کند که مخلوقی ایست عالی و توانمند که اگر چنانچه اراده کند بتواند.

واقعیت این است که انسان هر گاه، خود را در تعریف و قرائتی که اسلام نسبت به آن نموده و قرآن برایش تبیین نموده است و ارزشی که پیامر اسلام نسبت به آن عنایت داشته است، مشاهده کند. مطمئناً^۱ بغیر از اسلام چیزی دیگری نمی‌بیند و به غیر از قرآن به چیزی نمی‌اندیشد و غیر از توحید و یگانگی هم چیزی سیرایش نمی‌کند.

ورود انسان در قلمرو اسلام به عنوان دین برگزیده خدا که برایش عزت و کرامت بخشیده و مضافاً^۲ مورد

تائیدش قرار می‌دهد تا خود را بی‌آزماید یک تجربه و امتحان است، تجربه‌ای که ما حاصل آن جایگاه او را به تصویر کشیده و جاویدانه می‌سازد.

وبالآخر اینکه چیزی جز او و ماحصل تلاش و پشت کار او، او را نمی‌سازد. کل نفس به ما کسبت رهینه است (9) در یک کلمه می‌توان گفت که با تکیه بر اسلام و قرائت اسلامی است که انسان خویش را در هر دو وادی، هم وادی مذاهب و هم وادی ادیان الهی در می‌باید و با تکیه بر آن می‌تواند مصداق عملی اسلام واقع گردد و بس.

سوم: در قلمرو مسلمین و متفکرین:

علما و نخبگان جهان اسلام پیمان بستگان خدا در زمین‌اند، تا در روشنایی اصول به دستورات شفاف و روشن کتاب الهی و محوریت اسلام به عنوان دین کامل و قابل هدایت انسان، انسان‌ها را در اندرون آتش نمودیان زمان، ابراهیمی ساخته و خلیلی عمل نمایند تا بستر ساز روندگان طریقت خلیل الهی باشند.

عقل و خرد که بهترین و اول‌ترین هدیه الهی برای انسان است، بستر ساز درک مقام و قدرت الهی و رسیدن به جایگاهی است که انسان مأمور رفتن به همان شده است در غیر آن او (انسان) به خود هم ذاکر نبوده است. هل اتي علي الانسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً (10)

براستی اگر (انسان‌ها) بویژه علمای اسلام در پی اجرای مأموریت الهی و اجرایی کردن دستورات اسلام و رفتن به طرفی که رضای خدا را می‌نمایاند باشند، و مضافاً اصول را برای اجرای اصلی که انسان مأمور به اجرایی نمودن آن شده است در نظر بگیرد؟! آیا به چیزی جز از عقل و وحی که تکیه گاه و پشتوانه اصلی همه انبیای الهی و دستورات دین مبین اسلام است می‌توان تکیه کرد. و اگر چنانچه توفیق و دسترسی به این امر مهم، ممکن گردید، آیا غیر از توحید و ورود در قلمرو توحید و یگانگی او چیزی دیگری خواهد بود؟

باور به توحید و رفتن بطرف جامعه توحیدی همراه با اجرای عدالت و قسط مستلزم مدیریت شفاف و سالم متناسب به زمان است تا عقل را در روشنایی وحی به تجربه گرفته و کاربردی نماید.

چیزی که همه رهبران اجتماعی، سیاسی، دینی، و روسای جمهور جهان، امراء، پادشاهان همه و همه با وجود این همه امکانات و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و هكذا قدرت‌های بزرگی جهانی از اجرایی کردن آن عاجز مانده‌اند.

و چه زیباست که اسلام مدیریت عملی و اجرایی آنرا با وجود مبارک ثلثه رسول الهی حضرت یحییٰ بن ابراهیم و حضرت یونس بن یحییٰ بن ابراهیم و حضرت یحییٰ بن ابراهیم و حضرت یونس بن یحییٰ بن ابراهیم است گره زده و نوید می‌دهد.

مجمع تقریب مذاهب اسلامی با در نظر گرفتن سابقه تاریخی الازهر مصر و تجربه‌ای که طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دارد، می‌تواند راهگشای تجربه‌ای باشد که یک بار عملی شده است.

تجربه‌ای که بعضی بزرگان و پیشکسوتان انقلاب اسلامی در آغاز انقلاب اسلامی باور داشته می‌گفتند: ما می‌خواهیم یک مطلب را ثابت کنیم و آن اینکه اسلام در قرن بیست هم توان حکومت کردن بر مردم را دارد؛ و یا امام راحل فرموده‌اند: اسلام برنامه حکومتی دارد و در حکومت اسلامی حاجب و در به ان نیست و باز فرموده‌اند ما بطرف اسلام می‌رویم. و سرانجام نگزارید این انقلاب بدست نا محرمان و نا اهلان بیافتد.

تجربه‌ای که اجرایی آن را نه تنها متفکرین معتقد به ادیان الهی که سایر ملل دنیا به عنوان ضرورت انسان معاصر راهگشای خویش میدانند.

این جانب به عنوان عضو کوچک مجمع تقریب مذاهب اسلامی، باور دارم که با عمل و تاکید بر اصول بنیادین اسلام که دین منتخب خدا برای هدایت انسان در زمین است دسترسی به اتحاد عملی که از اولویتهای عملی مجمع تقریب مذاهب اسلامی است ممکن می‌گردد انشا الهی.

توجه و دقت به اصولی که فلاح و رستگاری انسان را در زمین تضمین نموده است ریشه در وحی و خرد انسانی دارد و مهم تر اینکه علت وجودی تشکیل مجمع بنام تقریب مذاهب اسلامی برای عمل به اصولی است که قبل از هر چیز منعکس کننده اسلام مبتنی بر کتاب الهی و سنت رسول الهی باشد.

ورود در قلمرو غیر از اصول بنیادین نه تنها مجمع تقریب را بی اعتبار و فشل می‌سازد که بهره برداری از شرایط زمانی و مکانی را در رابطه با نیاز انسان متفکر و اندیشمند به چالش می‌کشد.

بر عکس جا بجایي اصول به فروع و فرع، فروع باعث افراط و تفریط في مابین مسلمانان می‌گردد، چیزی که باعث تضعیف اسلام در جوامع اسلامی و تخریب آن در جوامع غیر اسلامی گردیده است.

با توجه به مرکزیت مجمع تقریب مذاهب اسلامی و حضور علمای جید جهان اسلام در مجمع تقریب و هكذا جایگاه مقام ولایی و مدیریتی ولی امر مسلمین در رابطه با اجرایی کردن مصوبه‌های بنیادین و اصولی مجمع تقریب، جهت نجات بلاد اسلامی از سیطره غیر مسلمانان و هكذا استقبال از متفکرین و دانشمندان که اسلام را فراتر از فرع فروع دانسته و گام‌های موثر و مفید، بر می‌دارند تا شاهد نبه‌ای به موازات ظهور مجدد اسلام و تحقق اهداف والای آن در سر تاسر جهان باشیم.

برادران و خواهران، جناب رئیس:

مجمع تقریب مذاهب اسلامی اگر چنانچه خود به این باور نرسیده باشند که هدایت انسان در قلمرو بی منتهای رحمت الهی در هر مقطع و در هر شرایط و برای هر کس هم ممکن و هم و میسر است مشروط به اینکه با ایمان به خدا و انبیای الهی بوده باشد، فقط از خدا بخواهد و او را عبادت کند و از شرک دوری کند آنگونه که همه انبیای الهی با تکیه بر خرد و فطرت خویش باور داشته و عمل نموده‌اند. مطمئن باشند که نه تنها وحدت امت اسلامی به معنی که لازم است ممکن می‌گردد که زمینه همسویی متفکرین و اندیشمندان سایر ادیان الهی نسبت به اسلام نیز ممکن می‌گردد.

بنابراین دقت در برنامه‌های عملی تقریب مستلزم توجه به عمل رسول الله(ص) و اصحاب است که با پشت کار علما و صاحب نظران اسلامی و نگاه واحد امکان عملیاتی پیدا می‌کند. بدون شک که ایمان توأم با عمل علما و خواص به آنچه که می‌گویند تقریب را تمثیل نموده و عمق می‌بخشد.

بی تردید که عمل در این گونه موارد بستر ساز وحدت در سایر موارد و برنامه‌های عملی و نظری فی مابین مسلمانان می‌گردد. که اگر چنانچه به صورت مشترک به نمایش گذاشته و عملی گردد. عزت و شکوه دیرینه‌ای مسلمانان احیاء و وحدت مدینه الرسول بار دیگر به تصویر کشیده می‌شود. و آنگاه خواهد بود که اسلام وارد برنامه زندگی انسان‌ها می‌گردد انشا الله.

به طور مثال:

اقتدا به پیش نماز و یا امام جماعتی که پیروان یک مذهب به او اقتدا می‌نمایند. برای سایر پیروان مذاهب دیگر نه تنها شدنی است که لازم است، کما اینکه در این زمینه فرمایشی از امام جعفر صادق علیه السلام مبنی بر اینکه اگر چنانچه طرفدارانش اقتدا به یک عالم مسلمان پیرو ابوحنیفه رحمت الله علیه نمایند نمازش صحیح است. قال جعفر الصادق(ع): من صلي معهم في الصف الاول كان كمن صلي خلف رسول الله(ص) في الصف الاول(11)

کسی که در صف اول نماز جماعت اهل سنت شرکت نماید، مانند آن است که در صف اول پشت سر پیامبر(ص) نماز خوانده باشد.

و یا اینکه امام راحل در زمان حیات ایشان فرمودند: حجاج می‌توانند اقتدا به امام جماعت مدینه منوره و مکه مکرمه نموده و نمازهای پنجگانه ایشان را در پنج نوبت در صف واحد برگزار کنند.

مجمع تقریب مذاهب اسلامی با توجه به موقعیت و پشتوانه‌ای که در رابطه با جهان اسلام و مسلمین دارد می‌تواند در این امر بنا را بر صواب بگذارد و با احتیاط در امور مربوط به احکام متجدثه و ثانویه، حفظ و باور به اسلام را اصل و اصول را بستری برای استنباط ضرورت‌های زمانی و مکانی قرار داده وارد آن شوند. و اگر نسبت به آن توجه شده و از مواردی که پافشاری روی آن نه تنها سودی نمی‌رساند که باعث شقاق و نفاق و یا حداقل دو دستگی مسلمانان می‌گردد جلوگیری شود و به نظر واحد برسند می‌توان گفت: مجمع تقریب مذاهب اسلامی در راستای ادای وظیفه و رسالت عملی و اجرایی خود در رابطه با وحدت امت اسلامی به تلاشهای خستگی ناپذیر خویش دست یافته و کاری بزرگی را در عصر بیداری و انقلاب اسلامی انجام داده‌اند. در غیر آن نقش مفید و سازنده اسلام توسط کوتاه نظران و دشمنان اسلام از موقعیت رهبری و هدایتی که دارد کم رنگ شده و به چالش کشیده خواهد شد.

یکی از مواردی که جایگاه مجمع تقریب را در این برهه زمانی و مکانی اهمیت می‌بخشد و چه بسا که باعث علت وجودی آن گردیده است نقش آفرینی صاحب نظران و کارشناسان آن‌ها در رابطه با استنباطات مربوط به قضایای مسلمین جهت حل مشکلات ناشی از تفاوت‌های ایست که بدون دخالت مجمع تقریب امکان عبور از فراز و نشیب‌هایی که به واسطه دشمنان آگاه و جاهلان نا آگاه به صورت افراط و تفریط عنوان شده و می‌شود ممکن نمی‌باشد.

به طور مثال موضع گیری ولی امر مسلمین رهبر عالیقدر جهان اسلام در عصر و زمان ما، پیرامون شخصیت و جایگاه زنان پیامبر اسلام به خصوص حضرت عایشه رضی الله تعالی عنهما چگونه پی آمده‌های مثبت را بدنبال داشت.

اینجانب با درک از اسلام و ایمان به قوانین نجات بخش قرآن و جایگاه علمی و عملی علمای دینی و همکاران صاحب نظران و کارشناسان دلسوز به اسلام و سرنوشت انسان، یقین کامل دارم که آن‌ها در روشنایی ادیان الهی به خصوص اسلام رسول الله و عملکرد عالمانه آن مبارک می‌توانند تبیین مبانی نموده و استراتژی اصولی ایشان را در جغرافیای عملی آن حضرت دستور العمل کاری خویش قرار داده و عمل کنند.

بدون شک کاربردی کردن روش حضرت در جغرافیای عملی که ماها قرار داریم مسلمین را در قدم اول و غیر مسلمین را در قدم بعدی راهگشا و سرمشق خواهد بود. و اگر چنانچه اسلام را با بیان و عمل رسول خدا در روشنایی کتاب الله برای انسان عرضه و مدیریت نماییم، نه تنها مشکلی نخواهیم داشت که با سرعت شاهد فراگیری آن خواهیم بود.

و اگر چنانچه با قرائت فقط مذهب و مذهبی‌ها آنرا عرضه نموده و یا مدیریت نمائیم نه تنها زمینه فراگیری آن در بین مسلمانان ضعیف به نظر می‌رسد که در بین غیر مسلمانان هم شکننده و آسیب پذیر شده و نهایتاً منتفی می‌گردد.

زندگانی اولیاء الهی، عرفا، به خصوص معصومین از اول تا به آخر نشان می‌دهد که قرائت آن‌ها از اسلام و رسول اسلام همواره دینی بوده و بدون استثنا از حوزه دین به شاگردان و طرفدارانش صحبت نموده است.

با تکیه بر مبانی فرق و مذاهب اسلامی است که سید جلیل القدر، بنیان گزار مبارزه علیه استعمار، استبداد و استکبار جهانی جمال الدین الحسینی الافغانی که مربوط به جهان اسلام است می‌گوید: در غرب و اروپا اسلام را یافتیم در حالیکه مسلمان نبودند و بر عکس در کشورهای اسلامی اسلام را نیافتیم در حالیکه همگی مسلمان بودند.

به امید روزی که مجمع تقریب مذاهب اسلامی با تکیه بر قرائت پیامبر خدا حضرت محمد (ص) اسلام را برای انسان سر خورده از ظلم و ستم و نفاق و من در آوردی‌های شخصی شان بنام ادیان، مذاهب، مکاتب و سایر مسلک‌های دیگر عنوان نموده تا شاهد دست آوردهایی باشیم که رابطه انسان، اسلام و قرآن را با

استفاده از عقل و فطرت در بستر توحید کاربردی نموده و به نمایش بگذارند، آنسان که اسلام، انسان را ماموریت نسبت به اجرای آن داده است. انشا الله

والسلام علي عباده الصالحين

محمد رحيم افضلې عضو مجمع تقريې جهاني اسلام

فهرست آیات و احاديث

سوره قصص آيه 5 .

سوره بقره آيه 185 .

سوره تين آيه 4 .

سوره مومنون آيه 14 .

سوره ص آيه 26 .

حديث پيامبر اسلام.

سوره زمر آيه 9 .

سوره اسراء آيه 81.

سوره قيامت آيه 38 .

10- سوره الدهر آيه 1 .

